

هه ورگر

(مطالعه قوم باستان شناختی زنان سفالگر در کردستان)

مینو سلیمی

salimiminoo@yahoo.com

چکیده

قوم باستان شناسی به مطالعه روشمند حوزه مشخصی از فرهنگ مادی یا بخش‌های اصلی یک فرهنگ زنده جهت شناخت و تفسیر فرهنگ گذشته اطلاق می‌گردد. سفال و تولید آن مهم ترین ابزار باستان شناسی و کلید این گونه پژوهش‌ها است. امروزه در کردستان تولید ظروف سفالی بسیار ساده و ابتدایی توسط زنانی با عنوان مشخص و متمایز (هه ورگر) انجام می‌گیرد. این ظروف سفالی که توسط زنان و با روش سنتی و استفاده از موی بز و گِل سَور (خاک رس) ساخته می‌شود عبارتند از دیزه Diza، گوزه goza، گوزله gozala (این ظرف مخصوص آب است)، پی سوز، کشک ساو (kašksaw) سه این (sein) و انواع اسباب بازی‌های کودکانه و مجسمه‌های تزئینی. در این نوشتار علاوه بر معرفی چگونگی ساخت و تولید سفال و مواد به کار رفته بومی در آن، به تشریح نحوه ساخت، کارکرد و نقش زنان سفالگر کرد پرداخته می‌شود. نتایج این گونه پژوهش‌ها این امکان را در اختیار باستان شناسان قرار خواهد داد که بتوانند جهت شناخت، مقایسه و تفسیر داده‌های خود از پویایی این داده‌ها بهره‌گیرند.

(کلید واژه: هه ورگر - سفالگری - کردستان - قوم باستان شناسی)

مقدمه

در حدود یکصد سال پیش، توجه برخی از انسان‌شناسان و باستان‌شناسان به روش پژوهشی خاصی معطوف شد که در نتیجه آن از سال ۱۹۶۰ میلادی گسترش و تطور علمی زیر شاخه‌ای موسوم به اتنوارکیالوژی، به عنوان رویکردی مهم در باستان‌شناسی نو اجتناب ناپذیر گردید (David and Kramer 2001: 14-32). اتنوارکیالوژی یا قوم‌باستان‌شناسی یکی از پیامدهای تعامل بین شاخه‌ها و زیرشاخه‌های انسان‌شناسی و در واقع برخاسته از ظرفیت انسان‌شناسی و پویایی باستان‌شناسی است (فاضلی، ۱۳۸۶: ۱۴). اساس مطالعات باستان‌شناسی را تحلیل فرهنگ مادی شکل می‌دهد که سفال یکی از اصلی ترین مواد فرهنگی در این مطالعات است. در این زمینه منابع ویژه‌ای، روش‌های تحلیلی عمومی را پوشش می‌دهند. تجربیات کنترل شده جهت بازسازی فناوری سفال، اجزا دوران ماقبل تاریخ انجام یافته و امور مربوط به درجه حرارت پخت سفال، اجزا و روش‌های لعاب دادن بررسی شده است. قیاس اتنوگرافیک یک منبع سودمند،

اطلاعات اساسی درباره سفالگران و روش های آنان بوده و روش تاریخی مستقیم نیز سبک های سفال سازی جدید را تا دوره های ماقبل تاریخ ردیابی می کند (فاگان، ۱۳۸۲: ۴۶۱).

در این مقاله، به مطالعه سفالگری در کردستان توسط زنان با عنوان ویژه «هه ورگر» پرداخته می شود. باستان شناسان می توانند با توجه به این داده ها که توضیح سفالگری در ابتدای ترین شکل خود است، قدمی در جهت شناخت و تفسیر داده های ایستای خود بردارند.

اشیای ساخته شده از گل در ردیف بادوام ترین آثار باستانی قرار دارند، اما در میان آن ها سفال نسبتاً نوآوری اخیرتری است (فاگان، ۱۳۸۲: ۴۶۱). قدیمی ترین سفال های پیش از تاریخ ایران که مربوط به مناطق غربی ایران و کوه های زاگرس است، از تپه "گنج دره" هرسین در استان کرمانشاه بدست آمده است. بر اساس کاوش های باستان شناسی در تپه "گنج دره" هرسین، تاریخ لایه استقراری E - لایه ای که سفال ها از آن بدست آمده - در بین سال های ۷۵۰۰ تا ۸۵۰۰ قبل از میلاد یعنی حدود ده هزار سال پیش قرار می گیرد (اسمیت، ۵۳: ۱۳۷۶). گرچه سفال های قدیمی دیگری از مناطق دیگر ایران بدست آمده گزارش هایی در مورد آن ارائه شده است، اما همچنان زاگرس خاستگاه قدیمی ترین سفال و سفالگری در ایران است و باستان شناسان بر این امر اذعان دارند.

مقدار نسبتاً کمی از قطعات سفال در حفاری های گنج دره بدست آمده است که از نظر ساخت بسیار ساده هستند. در گزارش ها به این سفال ها به عنوان کهن ترین نمونه سفالی که در ایران بدست آمده است، اشاره شده است (شهمیرزادی، ۱۳۸۲: ۲۶۰). به نظر می رسد که نوآوری سفال با آغاز حضور طولانی و پایدار انسان در زیستگاه های خود مرتبط بوده است. ظروف گلی حرارت دیده از این امتیاز برخوردارند که مدت زمان طولانی تری مورد استفاده بشر بوده اند. می توانیم قبول کنیم که نخستین ظروف سفالی جهت تامین نیازهای محلی و خانگی، از جمله تهیه و طبخ غذا، حمل آب و ذخیره غذا مورد استفاده قرار گرفته اند و در فاصله زمانی کوتاهی جهت تامین نیازهای بیشتری چون تهیه نمک، مراسم آیینی، چراغ های روغنی و محفظه های نگهداری بقایای تدفینی انسان به کار گرفته شدند. ظروف سفالی شکسته و خرد شده در میان رایج ترین آثار مکشوفه باستانی قرار دارند و شکل و شیوه ساخت و پرداخت آن ها مبانی هزاران توصیف و تحلیل باستان شناسی را فراهم آورده است (فاگان، ۱۳۸۲: ۴۶۲).

سفالگری در کردستان

بر اساس گزارش های مردم نگاری که در سال های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱ در کردستان انجام گرفته است، (اکبرزاده: ۱۳۷۴، معروفی: ۱۳۷۶، رهو: ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱) حضور زنان سفالگر در روستای "هشمیز" در منطقه ژاورود، روستاهای "زیویه"، "سنتّه"، "قلندر"، "مازواره"، "پیرعمران"، "بغده کندی"، "دره شهر"، از توابع شهرهای سقز، دیواندره، قروه و روستاهای دهستان "کانی سور" شهر بانه گزارش شده است. این زنان را "هه ورگر" - سفالگر - می نامند. سفال های تولیدی زنان یادشده ابتدایی و برای رفع نیازهای اولیه می باشد. شکل سفال ها

و فناوری بکار گرفته برای آن ها، امکان مقایسه اتنوگرافیک را با داده های باستان شناسی فراهم می کند. این نوع از فناوری هنوز در کردستان رایج است و امکان مقایسه و تعمیم پذیری جهت مطالعات قوم باستان شناسی را فراهم کرده است. در همه مناطق یادشده، تقریباً ظروف یکسانی ساخته می شود که در مورد هر یک توضیح لازم ارائه می شود.

دیزه (Diza): ظرفی جهت پخت و نگهداری آبگوشت است. داخل آن گود است و در اندازه های متوسط و کوچک جهت نگهداری و تازه ماندن ماست، ساخته می شود.

گوزه (goza): این ظرف مخصوص نگهداری آب است و در اندازه بزرگ ساخته می شود.

گوزه له (gozala): این ظرف مخصوص حمل آب است و در اندازه کوچک ساخته می شود. در واقع، کوزه کوچک است.

پی سوز (pi souz): ظرفی که به صورت نعلبکی شکل است و در آن روغن دمبه گوسفند ریخته و به عنوان چراغ استفاده می شود.

که شک ساو (**kašksaw**): ظرف یا تشتی بزرگ و متوسط که داخل آن زبر و خشن است و ساییدن کشک مورد استفاده قرار می گیرد. از دیگر ساخته های این سفالگران می توان به اسباب بازی ها و اشیا تزئینی اشاره کرد.

ساخت ظروف سفالی در منطقه ژاورود روستای هشمیز: ساخت ظروف سفالی در منطقه ژاورود که یکی از سه بخش اورامانات است و در بین شهرهای سنندج، سروآباد و کامیاران قرار گرفته است، در روستای "هشمیز" توسط زنان صورت می گیرد. ظروف سفالی را از خاک قرمز- در اصطلاح محلی "گلی سور" - (**gela sur**) و موی بز می سازند. خاک قرمز یا "گلی سور" را از کوره ها و دشت های اطراف که خاک آن ها قرمز رنگ است تهیه می کنند. برای تولید ظروف سفالی، ابتدا به مدت یک روز "گل" را روی گونی قرار داده و آن را با دست و یا پا، ورز می دهند که به این عمل در اصطلاح محلی شیلانن (**šilanen**) گویند، سپس موی بز را به آن می افزایند و آنرا مدتی دوباره ورز می دهند تا موی بز در تمام قسمت های گل پخش شود. استفاده از موی بز برای جلوگیری از باز شدن گل است و همچنین باعث ایجاد حالت چسبندگی بهتر می شود. ظروف را با گل آماده شده به وسیله دست به فرم دلخواه شکل می دهند و پس از خشک شدن ظرف های گلی تولید شده، آن را در زیر آتشی که از تپاله فراهم کرده اند، قرار می دهند. ظروف سفالی در زیر حرارت ناشی از سوختن تپاله حیوانی به آرامی پخته می شوند. ظروف گلی که توسط زنان سفالگر ساخته می شوند عبارتند از دیزه **diza**، گوزه **goza**، گوزله **gozala** (ظرف مخصوص آب)، پی سوز، که شک ساو (**kašksaw**)، سه این (**sein**) و انواع اسباب بازی های کودکانه و مجسمه های تزئینی است (رهو، ۱۳۸۴: ۴۳۰).

سفالگری در دیواندره: خاک رس را روی زمین صاف و تمیز غربال می کنند و با آب مخلوط کرده، گل درست می کنند که به آن هرگ (**harg**) گویند. گل را یک شبانه روز می گذارند تا کمی سفت شود. روز بعد

آن را روی گونی تمیز یا نایلون می گذارند و لگدمال می کنند و به آن کم کم موی بز اضافه می کنند تا کش دار و سفت شود. گل را آنقدر لگد می کنند تا برای کار آماده شود که به این حالت در اصطلاح محلی "گیه" (gayya) می گویند.

گل را روی سینی یا بشقاب بزرگ یا حلبی صاف می گذارند و شروع به ساختن ظرف سفالی می کنند. ظروفی که ساخته می شوند، بیشتر عبارتند از دیزه (diza)، نیمه سوله (nimasola)، دوله (dola) و کوزه. بعد از ساخت ظروف، آنها را جلوی آفتاب و روی زمین مسطح تمیز، روی سینی یا بشقاب بزرگ می گذارند. زیر ظرف را نیز مقداری خاک نرم یا خاک رس قرار می دهند. بعد از خشک شدن ظرف ها، آن ها را در محلی برای پخت می گذارند و اطراف آن ها را تپاله و گون قرار می دهند و آتش می زنند. ظرف های سفالی تا هنگامی که کاملاً پخته و سرخ رنگ شوند داخل آتش می مانند، سپس آتش را خاموش کرده و ظرف ها را می گذارند تا سرد شوند (رهو، ۱۳۸۱: ۱۵۲-۱۵۱).

علاوه بر ظروف سفالی، تنور نیز توسط سفالگران زن ساخته می شود. برای ساخت تنور، گل آماده را روی زمین صاف و تمیز می گذارند و با آن تنور می سازند. ساخت دیواره تنور به صورت مرحله به مرحله است، یعنی قسمتی از دیواره تنور را می سازند و صبر می کنند تا خشک شود سپس قسمت دیگر را می سازند. انتهای دیواره تمام شده را دندانان دار می کنند تا قسمت دیگر دیواره تنور روی لبه دندانان دار قرار گیرد. کار را به همین منوال ادامه می دهند تا دیواره تنور ساخته شود. این کار توسط زنان انجام می گیرد. در گوشه انتهایی تنور، سوراخی به نام "گوله تنور" وجود دارد، در آن قسمت حلبی دایره ای شکل قرار می دهند تا گل فروکش نکند و پس از خشک شدن تنور، حلبی را از آن جدا می کنند (رهو، ۱۳۸۱: ۱۵۲-۱۵۱).

سفالگری در سقز: در روستاهای زیویه، ستنه، قلندر، مازواره، پیر عمران، بغده کندی و دره شهر، زنان سفالگر، ظروفی سفالی جهت نگهداری آذوقه و دوغ مانند گوزه (goza) و دیزه (dize) می سازند. برای تهیه این ظروف، مقداری خاک رس را به شکل گل در آورده و به مدت سه روز آن را با پا لگد کرده و می مالند، بعد آن را با مقداری موی بز بواسطه کاردکی چوبی به نام "ته ته له" (tetele) مخلوط می کنند. این کار باعث چسپندگی و استحکام گل می شود. بعد از ساخت ظرف سفالی، آن ها را به مدت یک هفته در مقابل اشعه آفتاب می گذارند تا خشک شود، سپس در محلی برای پخت قرار داده و مقدار زیادی تپاله اطراف آن گذاشته و آن را آتش می زنند. بدین ترتیب ظروف آماده می شوند. (رهو، ۱۳۷۸: ۱۸۷)

سفالگری در کانی سور (چشمه سرخ) شهرستان بانه: روستای بسیار قدیمی کانی سور، دارای پستی و بلندیهای بسیار و محیطی جنگلی است و در ۳۲ کیلومتری شمال شرقی بانه قرار دارد. (معروفی، ۱۳۷۶: ۲۶۳) در این روستا، گل را بعد از چند روز که نرم و شکل پذیر شد با مقداری موی بز آمیخته و بدون استفاده از چرخ سفالگری فقط با دست و قطعه سنگی صاف، ظروف را شکل می دهند. این کار مختص زنان بوده و مردان در آن دخالت نمی کنند. ظروف ساخته شده را در مقابل اشعه آفتاب قرارداده تا خشک شده و سپس برای آن ها گل (kell) یعنی کوره ای دستی و یک بار مصرف درست می کنند. بعد کوزه، کاسه، دیزی و ظرف های

سفالی دیگر را روی هم می چینند، چوب و گون و بوته های خار و گاهی تپاله خشک شده را در اطراف آن قرار می دهند و به وسیله چلسک (chellsk) یا مشعل، آن را آتش می زنند و تا سوختن کامل و سرد شدن کوره، آن را رها می کنند. سپس زن سفالگر بدون این که بگذارد کسی دیگر به آن دست بزند، آهسته آهسته همان گونه که ظروف سفالی را چیده، آن ها را از زیر خاکسترها بیرون می کشد و با سر انگشتان ضرباتی به آن می زند تا از سالم بودن آنها آگاه شود و آنگاه هر یک را تمیز کرده، کنار می گذارد. (همان، ۱۳۷۶: ۲۷۷ و ۱۴۸).

تمامی خاک رس مورد استفاده در روستاهای مورد بررسی، خاک رس قرمز است. این نوع خاک در مکان هایی تشکیل می شود که مواد آهنی و رسوبات سنگ آهن در جریان تخریب ها و فشار های پوسته زمین، بیشتر از سایر مواد وجود دارد. اکسید های آهن در شکل پذیری گِل، میزان حرارت لازم برای پخت و استحکام بعدی آن نقش عمده ای دارند. (معروفی، ۱۳۷۸: ۹).

مردم نگاری های مورد نظر نشان دادند که مواد ساخت ظروف سفالین به طور انفرادی و توسط زنانی انجام می گیرد که در این زمینه تخصص می یابند. این زنان گل سور و موی بز را که اصلی ترین مواد ساخت ظروف سفالین را از مناطق دورتر و دشت های اطراف منطقه که خاک آن ها قرمز رنگ است تهیه می کنند. ظروف سفالی یا ساده ترین شکل بکارگیری فن آوری ها آماده می شود و در زیر آتش تپاله جهت پخت قرار می گیرند. این ظروف اغلب ظروفی هستند که جهت حمل آب، ذخیره نمودن مواد غذایی و انواع اسباب بازی های کودکانه و مجسمه های تزئینی کاربرد دارند. باید خاطر نشان کرد که این ظروف تزئینی جنبه آیینی ندارند. ظروف تهیه شده توسط زنان سفالگر بسیار ساده و ابتدایی می باشد و جهت تامین نیازهای اقتصادی ساخته می شوند. سفال های بدون تزئین زنان سفالگر، عموماً کاسه و ظرف های کروی شکل هستند که برای آشپزی، غذا خوردن، حمل و انبار کردن آب و انواع اسباب بازی های کودکانه و مجسمه های تزئینی بکار می روند. تحلیل شکل این سفال ها، ما را با جامعه ای ساده و ابتدایی روبرو خواهد کرد که در زمان خود امکان مقایسه با داده های ایستای باستان شناسی را فراهم می کند.

شناخت و معرفی شیوه تولید سفال به شکل ابتدایی در کنار مظاهر تمدنی امروز توانایی آن را دارد که باستان شناسان از آنها به عنوان داده ای پویا جهت تحلیل داده های ایستا بهره ببرند. مطالعه روشمند و بهره گرفتن از داده های مردم نگاری توسط باستان شناسان می تواند بسیاری از سوالات آن ها را جواب داده و امکان مقایسه پذیری و تفسیر داده ها را فراهم سازد.

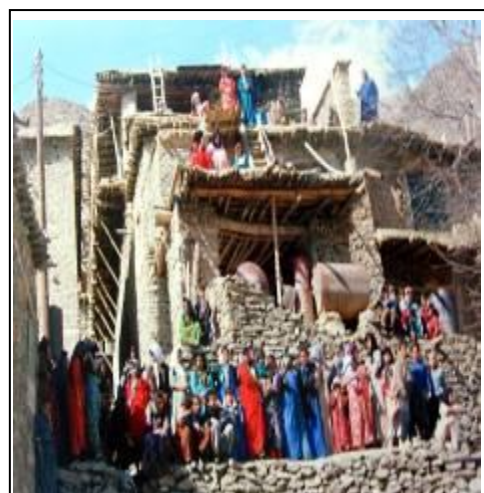
منابع:

- [۱] اسمیت، فیلیپ، نوع آوری ها و تجارب معماری در گنج دره ایران، ترجمه: کامیار عبدی، مجله اثر، شماره ۲۸، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، صص ۶۰ - ۴۹، ۱۳۷۶.
- [۲] رهو، روشنگ، مردم نگاری شهرستان دیواندره، آرشیو پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ۱۳۸۱، چاپ نشده.
- [۳] رهو، روشنگ، مردم نگاری شهرستان سقز، آرشیو پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ۱۳۷۸، چاپ نشده.
- [۴] رهو، روشنگ، مردم نگاری استان کردستان، آرشیو پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ۱۳۷۸، چاپ نشده.
- [۵] فاگان، برایان، سرآغاز در آمدی بر باستان شناسی - انتشارات سمت، ۱۳۸۴
- [۶] فاضلی، جزوه تاریخچه نظریه ها و مبانی باستان شناسی، جزوه چاپ نشده، ۱۳۸۶
- [۷] علی اکبر زاده؛س، فلسفی میاب، علی، مردم نگاری شهرستان قروه، آرشیو پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ۱۳۷۴، چاپ نشده.
- [۸] ملک شهمیرزادی، صادق، ایران در پیش از تاریخ، انتشارات معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
- [۹] معروفی، سیروس، مردم نگاری شهرستان بانه، آرشیو پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ۱۳۷۶، چاپ نشده.
- [۱۰] مصاحبه با آقای حامدی کارشناس میراث فرهنگی کردستان و استفاده از اطلاعات ایشان. اردیبهشت ۱۳۸۸.

تصاویر:



تصویر شماره ۳:
زن سفالگر روستای هشتمیز



تصویر شماره ۱:
نمایی از روستای هشتمیز



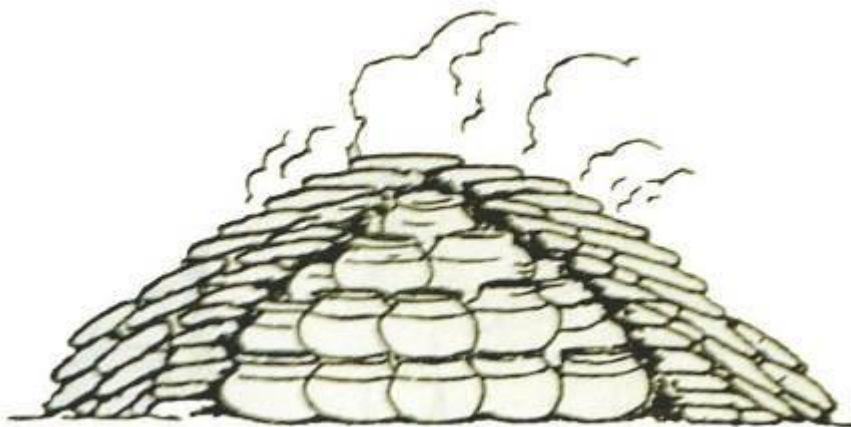
تصویر شماره ۲: نمایی از روستای کانی سور



تصویر شماره ۲: نمایی از روستای کانی سور



تصویر شماره ۴: زن سفالگر روستای کانی سور در حال ساخت اسباب بازی های کودکانه است



تصویر شماره ۵: استفاده از تپاله حیوانی بعنوان سوخت برای پخت سفال